

ایران و آمریکا؛ دست به ماشه

جلال خوش چهره
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

ایران و آمریکا اکنون دست به ماشه، رودر روی یکدیگر در آب‌های خلیج فارس قرار گرفته‌اند. آیا برخلاف مصلحت‌اندیشی‌های متقابل گذشته، قرار است این بار اتفاق دیگری رقم زده شود؟ یا همچنان شاهد نمایشی از رجزخوانی‌ها هستیم که در سرانجام آن، ادامه اوضاع در بلاتکلیفی مژمن خواهد بود؟ البته این خطر هست که همیشه مسبب جنگ‌ها، محاسبات از پیش تعریف شده نیست؛ بلکه یک اقدام یا رفتار پیش‌بینی نشده می‌تواند انبار باروت ذخیره شده - مانند آنچه در خلیج فارس وجود دارد - را به ناگاه شعله‌ور کند. نکته اینجاست که در این صورت، دیگر اعلام مسبب بروز این وضع اهمیت ندارد؛ بلکه سیاستی که درگیری را توجیه می‌کند، تعیین‌کننده نتایج آن خواهد بود. ارتش ایالات متحده نمایش جنگی را در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و تنگه هرمز به اجرا گذاشته است. این نمایش با اعزام اسکادران‌هایی از جنگنده‌های اف-۱۶، اف-۳۵، ای-۱۰، تاندر بولت ۲- به همراه حضور زیردریایی‌ها، ناوهای هواپیمابر و ناوشکن‌ها و نیز حضور بیش از سه هزار ملوان و تکنفندارتیروی دریایی است. هدف به رخ کشیدن قدرت نظامی در برابر ایران در تنگه هرمز، دریای عمان، سوریه و احتمالاً عراق و لبنان است. به گفته مقام‌های نظامی و دیپلماتیک واشنگتن، آمریکاییان دست به ماشه رفتار ایران را در مناطق یاد شده زیر نظر دارند. ایران نیز دست بسته عمل نکرده و در واکنش، نمایش خود را به اجرا گذاشته است. سپاه پاسداران مجموعه‌ای از هواپیماها، شناورها، موشک‌ها و خودروها را در جزایر شمس‌العرفین مستقر کرده است. در این راستا نیروی دریایی سپاه پاسداران برای نخستین بار از یک موشک با برد ۶۰۰ کیلومتر و موشک‌های بالستیک «فتح» با برد ۱۲۰ کیلومتر و موشک‌های کروز «غدری» با برد ۶۰۰ کیلومتر رونمایی کرد. براساس گزارش‌ها سپاه پاسداران در مانور مشترک خود با ارتش، همچنین پهپادها و شناورهای کنترل از راه دور و سناریوهای واکنش سریع برای دفاع از جزایر خود را مورد استفاده قرار داد. ناظران، مانور چهارشنبه گذشته ایران را یکی از کم سابقه‌ترین‌ها برای اعلام آمادگی‌اش در برابر هرگونه تهاجم نظامی احتمالی تفسیر کرده‌اند. آیا این نمایش‌ها به معنای نزدیک شدن به نقطه پایان دیپلماسی است؟ آیا تهران و واشنگتن مانند گذشته و پیش از رسیدن به نقطه پایان، مصلحت را در آن دیده و به عقب بازگشته و رویکرد «روز از نو» را در کنترل و مدیریت اختلاف‌هایشان از سر می‌گیرند؟ هیچ گمان روشنی در این باره وجود ندارد. دلیل این امر آن است که واشنگتن رفته رفته رویکرد نظامی را به سیاست‌های تحریم اقتصادی - تجاری ایران اضافه کرده است. پیچیدگی اوضاع از آن روست که هیچ افق روشنی در مذاکرات تهران - واشنگتن پدید نیفت. واسطه‌گری‌ها حتی درباره آزادی زندانیان دو تابعیتی و آزادسازی حداقل ۲۰ میلیارد دلار پول بلوکه شده ایران، هنوز تکلیف روشنی ندارند. در این حال، دولت «جو بایدن» با واگذاری پرونده اختلافات واشنگتن - تهران از وزارت امور خارجه به مشاور امنیت ملی و نمایش نظامی اخیرش، چنین می‌نماید که مشغول عملیات روانی با اهداف قابل شناسایی است. در این عملیات، واشنگتن می‌کوشد افکار عمومی مردم خود و تبع آن افکار عمومی جهان را برای قانونمند نشانیدن و مشروعیت بخشی به هر نوع اقدام علیه کشوری که به زعم او قدرتمند و ناقض قوانین بین‌المللی در آبراه‌های بین‌المللی است، توجیه و بسا ترغیب کند. این در حالی است که واشنگتن اهداف راهبردی خود را دنبال می‌کند؛ این که ابتکار دست‌اندازی بر منابع نفت و گاز منطقه را در اختیار داشته و نیز کنترل، صدور و نرخ آن را در انحصار خود نگه دارد. جنبه دیگر از اهداف راهبردی - روانی ایالات متحده در این بزنگاه، ایجاد ائتلاف با تلاش برای کسب تأیید اقداماتش از سوی کشورهای بی‌طرف است. در این صورت با نگرنداشتن ائتلاف و تشکل حاصل از آن، اقدام احتمالی نظامی علیه ایران را در پوشش مقررات بین‌المللی و انسانی توجیه و قابل پذیرش نزد افکار عمومی خواهد کرد. به قول معروف مدعی «جنگ پاک» می‌شود. قابل پیش‌بینی است که واشنگتن پیش از هرگونه اقدام نظامی، همچنان می‌کوشد تهران را از مسیری که در حال رفتن به آن است به تسلیم بازدارد. این کار با تحمیل الزامی هرچه بیشتر بر تهران دنبال می‌شود. اما آیا تغییر رویکرد واشنگتن را باید نتیجه بخش بودن سیاست تل‌او‌یو برای هل دادن دولت بایدن به رویکرد نظامی به جای سیاست «تحریمی - دیپلماتیک» تلقی کرد؟ مرزبندی اروپا با واشنگتن در این رویکرد کجاست؟ آیا انحصار ابتکارها در منطقه نزد واشنگتن، به امنیت انرژی و استقلال خواهی اروپا در برابر ایالات متحده در بلندمدت آسیب نخواهد زد؟ چین و روسیه چه واکنشی از خود بروز خواهند داد؟ واکنش این کشور نمی‌تواند بیرون از این ملاحظه باشد که آنها (به ویژه چین) در سه محور با واشنگتن همسو هستند: ۱- امنیت انتقال انرژی ۲- تضمین امنیت اسرائیل و ۳- تضمین امنیت کشورهای عرب دوست. واشنگتن زیرکانه باردیگر اختلافات و اوضاع جاری در منطقه را از خصلت منطقه‌ای به اختلافات ایران و غرب و بلکه جامعه جهانی تغییر ماهیت داده است. این رویکرد با تشدید اوضاع تل‌مرز رودر روی نظامی، چشم‌انداز ناامیدکننده و خطر آفرینی را به وجود آورده است. واکنش تهران در برابر آنچه واشنگتن در دستور کار قرار داده، نه تسلیم بلکه آمادگی برای مقابله است. صف‌آرایی کنونی تنها به یک سوء محاسبه در رفتار طرف‌های بند است. ایران و آمریکا اکنون دست به ماشه، مراقب یکدیگرند.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

باید مذاکرات با واسطه
با آمریکا را کنار بگذاریم

واقعیت‌های بین‌المللی را آنگونه که هست
تحلیل کنیم نه آنگونه که دوست داریم

آمریکا و اسرائیل رویکرد امنیتی کردن
پرونده هسته‌ای را دنبال می‌کنند

باید با لغو
تحریم‌ها اجازه
داد اقتصاد کشور
نفس بکشد

پنجشنبه
۱۴۰۲/۰۵/۱۹
شماره ۱۶۱۸

armanmeli.ir



آرمان ملی - احسان انصاری؛ محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به دخالت آمریکا در تعامل ایران با کشورهای دیگر از به نتیجه نرسیدن تعاملات اقتصادی ایران به دلیل دخالت آمریکا انتقاد کرد. این در حالی است که آمریکا در تازه‌ترین اقدام خود تعداد نظامیان خود را در منطقه خاور میانه افزایش داده است. از سوی دیگر رقیب منطقه‌ای ایران یعنی عربستان با برگزاری نشست جدت تلاش کرد در پایان دادن به جنگ اوکراین نقش آفرینی کند. اتفاقی که در صورت به نتیجه رسیدن می‌تواند چهره عربستان را در عرصه بین‌الملل ارتقا بدهد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این مسائل با حسن بهشتی پور، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. بهشتی پور می‌گوید: «امروز نیاز است ما برخی رویکردهایمان را تغییر دهیم و سعی کنیم دنیا را آنگونه که هست تحلیل کنیم، نه آنگونه که تصور می‌کنیم. ما دنیا را با تحلیل‌های خودمان تفسیر می‌کنیم و همان را هم نقد می‌کنیم که نتیجه فاصله گرفتن از واقعیت است. مذاکره با آمریکا یک راه حل برای آرامش بخشی به بازارهای داخلی است اما کافی نیست و ما باید کارهای زیادی برای اصلاح سیستم اقتصادی کشور انجام دهیم و نظام ناکارآمدی در سیستم بانکی ما هیچ ربطی به تحریم‌ها ندارد. واقعیت این است که ما هزینه‌هایی که می‌پردازیم به خاطر سیاست‌ها و رویکرد ما در نظام بین‌الملل است. ما نظام بین‌الملل را به چالش کشیدیم.» در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

در موضوع هسته‌ای درگیری اصلی ما با آمریکا است. یعنی اروپا، روسیه و چین، زیر نظر آمریکا با ایران مذاکره می‌کنند و در جهت تقویت یک سند صحه گذاشته باشند. اما همه می‌دانند که ما چه آمریکا را کدخدا بدانییم یا ندانیم که اساساً فکر می‌کنیم یک واژه نادرستی است، مشکل اصلی ما با آمریکا است.

سیاست تعامل در عین رقابت را در پیش گرفته‌اند. در تهران اما این ذهنیت وجود دارد که ماهیت جمهوری اسلامی ایران در ضدیت با آمریکا است و آمریکا به‌عنوان سردمدار نظام حاکم بین‌الملل به دنبال ریشه‌کن کردن نظام جمهوری اسلامی است. من به این نگاه نقد دارم و معتقدم که جمهوری اسلامی ایران هرچند می‌تواند سیاست خارجی مستقلی را دنبال کند، اما در این سیاست خارجی لازم نیست که ایران با آمریکا درگیر باشد. ایران می‌تواند در مقابل زور گویی آمریکا مقاومت کند، اما الزاماً به این معنا نیست که با آمریکا درگیر شود. همان‌طور که چین یا هند به رغم اینکه سیاست‌های مستقل دارند، با آمریکا درگیر نشده‌اند. ویتنام سال‌ها با آمریکا جنگیده است، اما امروز سیاست مستقل خودش را دنبال می‌کند و نه تنها با آمریکا درگیر نیست، بلکه روابط دوستانه‌ای با دولت ایالات متحده دارد. نگاه ما نسبت به نظام جهانی این است که روابط حاکم بر نظام بین‌الملل یا سپاه است یا سفید، یا در موضع خیر است یا در موضع شر. و اصلاً حالت میانه‌ای برای مناسبات قابل نیستیم. این موضوع باعث می‌شود که تعامل ما با سازمان‌های بین‌المللی، نهاد‌های چندجانبه و کشورهای مختلف دچار مشکل شود و باعث می‌شود که به اهداف مورد نظر سیاست خارجی خودمان نرسیم. نتیجه این نوع نگاه در سیاست خارجی این است که اکنون اقتصاد کشور در ترازوی نیست که شایسته جمهوری اسلامی ایران یا شایسته مردم ایران باشد. البته مشکلات سیاست خارجی فقط یکی از دلایل، اما عامل مؤثر مشکلات اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

در شرایطی که آمریکا نیروهای نظامی‌اش را در منطقه افزایش داده است رقیب منطقه‌ای ایران یعنی عربستان با برگزاری نشست جدت به دنبال مانع‌گیری در جنگ اوکراین برای پایان این جنگ بود. تحلیل شما از رفتار شناسی عربستان در این زمینه چیست؟

در رابطه با نفس برگزاری نشست عربستان باید گفت هر اقدامی در جهت صلح انجام شود، اقدامی نیکو و پسندیده است که هر آدم عاقلی در دنیا از آن حمایت خواهد کرد؛ حالا به هر انگیزه‌ای باشد. یعنی شما برای صلح کار کنید، با هر انگیزه‌ای که باشد، حتماً کار، کار خوبی است. چون در راستای توقف جنگی که به زیان مردم روسیه و به زیان مردم اوکراین است تلاش می‌کنید و قطعاً موجب این می‌شود که حداقل از زبان بیشتر و کشتار بیشتری گناهان جلوگیری شود. عربستان دیپلماسی پول را دنبال می‌کند. عربستان با موضع بی‌طرفی‌ای که در این جنگ اتخاذ کرد هم از بازار نفت سود کرد. با اینکه آمریکا به فشارها آورده بودند که تولید نفت خودش را برای کاهش صادرات نفت روسیه، افزایش بدهد ولی این کار را نکرد و با روسیه در اوپک پلاس همکاری کرد. در دور زدن تحریم‌ها هم کاملاً با روس‌ها هماهنگ بود و از آن طرف هم از دیپلماسی پول استفاده می‌کند. در این اجلاس هم خرج هفتگی کرده تا یک اعتبار منطقه‌ای و بین‌المللی برای خودش کسب کند.

چون بالاخره درباره موضوع خاشقچی و ماجراهایی که برایش درست شده، چهره عربستان سعودی در عرصه بین‌الملل خنده‌دار شده بود ولی با این‌گونه اقدامات دارد سعی می‌کند چهره خود را بازسازی کند. از سوی دیگر هدف اوکراین این است که کشورهای مثل آفریقای جنوبی، برزیل، چین، هند و کشورهای که موضع بی‌طرف داشتند را به سمت حمایت از اوکراین بکشاند و به دنیا نشان دهد که من اهل صلح و گفت‌وگو هستم و این‌طور نیست که با مذاکرات صلح، از اساس مخالفت کنم. چون اگر اوکراین با آن مخالفت می‌کرد در واقع یک امتیاز منفی در سطح بین‌المللی بود که با مذاکرات صلح مخالفت کرده است. اما به نظر می‌رسد که نتیجه‌ای که بخواهیم به دست نیاوریم. ما برای اینکه اولاً طرف روسی شرکت نکند و ثانیاً از قبل طرح مشخصی برای پایان دادن به جنگ به غیر از آنچه چینی‌ها داده‌اند مطرح نشده است.

می‌کنیم و همان را هم نقد می‌کنیم که نتیجه فاصله گرفتن از واقعیت است. مذاکره با آمریکا یک راه حل برای آرامش بخشی به بازارهای داخلی است اما کافی نیست و ما باید کارهای زیادی برای اصلاح سیستم اقتصادی کشور انجام دهیم و نظام ناکارآمدی در سیستم بانکی ما هیچ ربطی به تحریم‌ها ندارد. واقعیت این است که ما هزینه‌هایی که می‌پردازیم به خاطر سیاست‌ها و رویکرد ما در نظام بین‌الملل است.

ما نظام بین‌الملل را به چالش کشیدیم و آنجا که به نفعمان است را استفاده می‌کنیم و آنجا که به زعم خودمان به ضررمان است را رد می‌کنیم. طرف مقابل هم این را نمی‌پذیرد می‌گوید یا همه آن را قبول می‌کنید یا هیچ. در حالی که خودشان اینگونه عمل می‌کنند و حقوق بین‌الملل را مصادره به مطلوب می‌کنند، اما خب آنها قدرت دارند و هزینه این رفتارهایشان را هم می‌پردازند اما ما مشکل‌مان این است به لحاظ اقتصادی دچار مشکلات جدی هستیم. نکته دیگر اینکه آمریکا و اسرائیل به دنبال امنیتی کردن پرونده هسته‌ای ایران هستند تا برنامه هسته‌ای ایران را غیر صلح‌آمیز نشان بدهند و روی این تبلیغات مانور بدهند. البته به تدریج موضوع‌های دیگری هم به تلاش برای امنیتی‌سازی پرونده ایران به برنامه هسته‌ای اضافه شد و موضوع‌هایی مانند ادعاهای بی‌ثبات‌سازی خاور میانه، حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر و خیلی چیزهای دیگر به این پرونده اضافه شد. به تدریج کار به جایی رسیده است که هر فعالیت ایران از دیدگاه امنیتی تبلیغ و تحلیل می‌شود. تلاش برای امنیتی‌سازی پرونده ایران، گاهی باعث محاسبه‌های اشتباه از سوی دولت‌مداران آمریکایی شد. مثلاً در دوره دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا این تصور ایجاد شده بود که با اعمال فشار حداکثری می‌توانند ایران را به تسلیم شدن وادار کنند. تلاش برای امنیتی‌سازی پرونده ایران فقط منحصر به دوران دونالد ترامپ نمی‌شد. در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما و جورج بوش پسر هم در پیش گرفته شده بود. در هر دوره‌ای موضوع‌های متفاوتی بهانه تلاش برای امنیتی‌سازی پرونده ایران قرار می‌گرفت، اما هدف نهایی در همه دوره‌ها این بود که چهره ایران در جامعه جهانی مخدوش شود و ایران به عنوان یک عامل عاقل بی‌ثبات کننده و تهدیدیدی برای امنیت بین‌المللی تلقی شود. اوج این سیاست زمانی بود که شش قطعنامه متوالی در شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران صادر شد و ایران به‌عنوان تهدید برای صلح و امنیت جهانی معرفی شد.

آیا واکنش ایران نسبت به این رویکرد حساب شده و آینده‌نگرانه بوده است؟

برداشت‌ها در ایران این است که قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل ساخته و پرداخته نظام سلطه است و فقط از طریق به چالش کشیدن نظام سلطه است که ایران می‌تواند به اهداف و خواسته‌های خود برسد. سیاست جمهوری اسلامی ایران با سیاست قدرت‌های بزرگی مانند چین و هند متفاوت است که

مکمل نظامی، توان اقتصادی کشور است و ما باید با انجام یکسری اصلاحات اقتصادی توان اقتصادی کشور را بالا ببریم و بدون هیچ نگرانی پای میز مذاکره برویم. مذاکره کردن به معنای امتیاز دادن نیست. مذاکره کردن یعنی اینکه شما پای میز مذاکره می‌روید گفت‌وگو می‌کنید و می‌گویید چه چیزی را حاضرید بدهید و چه چیزی را حاضر هستید بگیری‌د تا به نتیجه برسید. این سخن به معنای این است که قرار نیست طرفین به همه آنچه به دنبال آن هستند دست پیدا کنند. برجام ضعف‌هایی دارد اما امتیازهای زیادی هم برای ایران دارد. مذاکره کردن با آمریکا صرفاً مشکلات و هزینه‌های ما را کاهش نمی‌دهد، اما فضای مناسبی را ایجاد می‌کند تا کشور بتواند نفسی بکشد و برخی اصلاحات اقتصادی از جمله نظام بانکی و تقویت تولید را در فضای بدون تحریم انجام بدهد

۶ ماه پایانی سال اقتصاد

چطور پیش خواهد رفت؟

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر، روزهای پر فراز و نشیبی را تجربه کرده است. در این راستا به طور خاص از سال ۲۰۱۸ به بعد یعنی همان سالی که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور سابق آمریکا کشورش را به صورت یکجانبه از توافق برجام خارج کرد و سبلی از تحریم و فشارهای اقتصادی را علیه ایران در قالب کارزار فشار حداکثری روانه کرد، بسیاری از شاخص‌های اقتصادی در ایران تحت تأثیر قرار گرفتند و عملاً واقعیت‌های تازه‌ای در فضای کلی اقتصاد کشور خود را به نمایش گذاشتند. به عنوان مثال، اقتصاد ایران در چندین نوبت جهش‌های ارزی قابل توجهی را تجربه کرد. در عین حال، رشد پایه پولی و نقدینگی نیز از جمله مولفه‌هایی بوده‌اند که افزایش قابل ملاحظه‌ای را از خود نشان داده‌اند و بر روند نهایی آن‌ها در قالب تشدید تورم ظاهر شده است. با این همه، پس از امضای توافق اخیر تنش‌زدایی میان ایران و عربستان، امیدواری‌های زیادی نسبت به ایجاد آرامش و ثبات در فضای کلی اقتصادی کشور ایجاد شد. در واقع، ناظران و تحلیلگران تأکید داشتند که این اتفاق می‌تواند راه‌راهی برای ایجاد کانال‌های مالی و تجاری تازه برای ایران هموار کند و حدی از آرامش را در اقتصاد برقرار سازد. مسأله‌ای که در کنار رویکرد خاص سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی دولت سیزدهم که عمده تمرکز آن به توسعه روابط ایران با همسایگان، مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و البته مناطقی نظیر آفریقا و آمریکای لاتین (در کنار توجه به متحدان شرقی همچون چین و روسیه) است، از فعال شدن ظرفیت‌های تازه برای اقتصاد کشورمان خبر می‌دهد. با این همه، باید پذیرفت که چالش‌های پیش روی اقتصاد ایران فراتر از صرف ایجاد برخی گشایش‌های اقتصادی هستند. هنوز مشکلات زیربنایی اقتصاد ایران نظیر برقراری رانت و امتیازات خاص و به ویژه فعالیت‌های نابسامان و ناتراز بانک‌های کشورمان، وجود دارند و دولت سیزدهم نیز علی‌رغم مطرح کردن مسائل مختلف جهت مخاطب قرار دادن آنها، هنوز نتوانسته دستاوردهای قابل توجهی را در این حوزه داشته باشد. در این چارچوب ملاحظه‌ها می‌کنیم که بانک‌های کشورمان روزانه بیش از پنج هزار میلیارد تومان پول بی‌کیفیت تولید می‌کنند و به تشدید بحران نقدینگی کمک می‌کنند.

چالش کسری بودجه

بسیاری از تحلیلگران اقتصادی ایران باورند که اقتصاد ایران با روند کنونی، چیزی در حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد. کسری بودجه‌ای که به صورت سنتی، در نتیجه تشدید آسیب‌تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و همچنین تداوم روند‌های نابسامان حکمرانی اقتصادی داخلی، ایجاد شده و هر چه به پایان سال نزدیک می‌شویم، جلوه‌های عینی خود را آشکارتر می‌کند. از این رو، با توجه به اینکه هنوز دولت سیزدهم نتوانسته بود دیپلماسی راهبردی خود را به ابعاد منطقه‌ای و فرماندهی‌ها به نحوی ملموس در فضای کلی اقتصاد ایران به نمایش بگذارد، کاملاً طبیعی است که اسمان نیز همچون سال‌های گذشته، با بحران کسری بودجه و عوارض جانبی قابل توجه آن برای اقتصاد ایران روبه‌رو شویم.

ابهام در گفتمان اقتصادی دولت

دولت سیزدهم از زمان روی کار آمدن، اصلی‌ترین دغدغه خود را بر مخاطب قرار دادن مشکلات و چالش‌های اقتصادی کشور قرار داده است. البته که در این زمینه اقدامات و دستور کارهای مختلفی را نیز در برنامه قرار داده است. با این حال، هنوز هم پس از گذشت ماه‌ها از روی کار آمدن دولت سیزدهم، در مورد رویکرد و گفتمان اقتصادی این دولت تصور روشنی وجود ندارد. بعضاً حتی دیده شده که اعضای تیم اقتصادی دولت، موضع‌گیری‌های متفاوتی را نیز مطرح می‌سازند. در این میان، مدتی قبل، مسعود میرکلامی رئیس‌سازمان برنامه و بودجه که از وی به عنوان یکی از چهره‌های کلیدی تیم اقتصادی دولت سیزدهم یاد می‌شد، کنار گذاشته شد. در عین حال، برکنار شدن علی صالح‌آبادی رئیس کل سابق بانک مرکزی نیز که برخی کارشناسان و حتی نمایندگان مجلس بر این تجربه بودن وی در مواجهه با چالش‌های اقتصادی کنونی کشور تأکید داشتند و البته انتقادات مختلفی که نسبت به عملکرد وزیر اقتصاد (احسان خاندوزی) مطرح است، همه و همه این گزاره را بیش از پیش در ذهن تقویت می‌کند که جدای از ضعف گفتمانی دولت سیزدهم در زمینه اقتصادی، این دولت در بهره‌چینی نیز با مشکل روبه‌رو است. در این میان، منتقدان رویکردهای اقتصادی دولت سیزدهم به کرات از مسئولان تیم اقتصادی آن درخواست کرده‌اند تا برنامه اقتصادی خود برای کشور را به صورت شفاف توضیح دهند و به افکار عمومی و کارشناسان عرضه کنند.

تشدید فشارهای خارجی علیه ایران

در نهایت باید گفت که در ماه‌های آتی، به طور خاص ایران یا دو چالش اساسی سیاسی روبه‌رو خواهد بود که در نوع خود می‌تواند تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران را سبب شوند. اول اینکه بر اساس توافق برجام (منعقد شده در سال ۲۰۱۵)، چشم‌اندازهای مرتبط با رفع تحریم موشکی ایران و برخی تحریم‌های دیگر مرتبط با کشورمان، در شهر یو ماه سال جاری به پایان می‌رسند. این در حالی است که کشورهای غربی و به طور خاص ترویکای اروپایی اعلام کرده‌اند که از رفع تحریم‌ها علیه ایران تمبیت نمی‌کنند. موضع آمریکا نیز کاملاً روشن است و باید انتظار تقابل را از سوی آن داشت.